

بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول

محمد بهشتیان^۱

چکیده

هدف این تحقیق بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های ازدواج اول آنها می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل همه زوج‌هایی است که در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ قصد ازدواج دوم داشته‌اند و روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد و نمونه شامل ۵۰ زوج در شرف ازدواج در سال ۱۳۹۴ می‌باشد که به مراکز مشاوره محقق مراجعه نموده‌اند. در این تحقیق ۱۰ ملاک اصلی ازدواج به وسیله پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که ملاک‌های ظاهری، تحصیلات، اقتصادی و رضایت خانواده زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد. ملاک‌های فرهنگی و قومی، مذهبی، روان‌شناختی، شرایط خانواده و علایق مشترک زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. و ملاک عشق در زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت بوده و در مردان تفاوتی مشاهده نشد.

کلمات کلیدی

ازدواج، ازدواج دوم، ملاک‌های ازدواج

^۱. استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، beheshtiyani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۴

۱. مقدمه

خانواده گروهی از افراد است که با هم زندگی می‌کنند و از طریق ازدواج به هم پیوند خورده‌اند (ایون و نایز^۲ ۲۰۰۱). در هر جامعه در طول تاریخ، خانواده اساسی‌ترین واحد، خصوصاً در بخش سلامت است (آلندر و اسپرادل^۳ ۲۰۰۰).

ازدواج مهم‌ترین قدمی است که یک فرد در زندگی برمی‌دارد. این اقدام ممکن است تمام زندگی فرد را از نو بسازد و یا خراب کند. ممکن است وجود و شخصیت فرد را بنا کند و یا متلاشی سازد، می‌تواند باعث رشد هر جنبه از اخلاق شده و یا باعث شکست و افسردگی گردد (دژکام ۱۳۸۳). مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهم‌ترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی می‌باشد و در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (فریدمن و همکاران^۴ ۲۰۰۳). در این رابطه تحقیقات نشان می‌دهد که انتخاب همسری مناسب در خوشبختی و بدبختی فرد نقش اساسی دارد (مظاهری، ۱۳۸۳). هم‌چنین تحقیقات نشان داده است که جهت استحکام ازدواج‌ها لازم است که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین نمایند و به بررسی ویژگی‌های فردی و تطابق آن با معیارهای خود پردازند (پریزاده و خدیوزاده، ۱۳۸۴). محمدی اشتهاردی (۱۳۸۴) معتقد است که انتخاب همسر چه برای مرد و چه برای زن یک مرحله جدید و سرنوشت‌ساز است زیرا آن‌ها تا آخر عمر شریک هم در غم و شادی خواهند بود. ولکات^۵ (۱۹۹۹) متذکر می‌شود که نداشتن معیارهای درست و اهمیت ندادن به خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی همسر از علل عمده طلاق محسوب می‌شود.

ازدواج سنت پیامبر است. مسئله ازدواج در نظر اسلام به قدری اهمیت دارد که پیامبر (ص) فرمودند کسی که ازدواج نماید نصف دین خود را کامل کرده است.

^۲ Even & Nies

^۳ Allender and Spradley

^۴ Friedman et al

^۵ Wolcott

ازدواج پیوند مشترک دو فرد با حفظ استقلال نسبی هر یک در جهت تکامل شخصیت طرفین می‌باشد (دیزجانی، خرامین؛ ۱۳۹۵). ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم سرنوشت‌ساز هر زن و مردی می‌باشد. این انتخاب یکی از مراحل و فرآیندهای رشد محسوب می‌شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان مهم است.

نقش و عمل اجتماعی ازدواج از جنبه‌های زیادی قابل توجه است و می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی را برطرف کند. آتش زاده (۱۳۷۶) می‌نویسد: «جوانان باید در مورد ازدواج واقع‌نگر بوده و شرایط یک ازدواج موفق را بدانند».

ازدواج نقش مهمی در زندگی بشر دارد و عوامل متعددی وجود دارد که در چگونگی کیفیت این امر، مهم مؤثر می‌باشند. مهم‌ترین این عوامل به شرح زیر اند:

عوامل سیاسی، اجتماعی، تحصیلات، عوامل فرهنگی (مثل مذهب، آداب و رسوم، لباس و پوشش)، اقتصادی و اجتماعی، اخلاقی، روانی، جسمی و ژنتیکی، سن، شغل و... ازدواجی که بدون در نظر گرفتن عوامل فوق انجام گیرد احتمال خوشبختی در آن کم است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که بر مبنای ازدواج پایه‌ریزی شده است. جامعه‌ی خوب و مناسب در گرو خانواده‌های منسجم و موفق می‌باشد. این مقصود زمانی تحقق می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و با توجه به معیارهای صحیح صورت گیرد. هر پژوهش یا تحقیقی در این دوره و یا برنامه‌ریزی آموزش متناسب با نیاز جوانان می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات جامعه باشد.

انسان در طول حیات خود پیوسته در حال انتخاب است و در هر انتخاب خواسته یا ناخواسته، هشیار یا ناهشیار ملاک‌هایی را مبنای قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاک‌ها مختص به فرد و برخی نیز تقریباً بین همه اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع مشترک می‌باشند. ترجیحات و ملاک‌های مشترک انسان‌ها برای انتخاب همسر^۶، مورد قبول مردم و همین‌طور بسیاری از رشته‌های علمی، از جمله جامعه‌شناسی، ژنتیک و زیست‌شناسی تکاملی است. اما باس^۷

^۶Mate Selection Preferences

^۷Buss

(۱۹۹۰) معتقد است که همسرگزینی اساساً پدیده‌ای روان‌شناختی است و رشته‌های مختلف روان‌شناسی این پدیده را از منظرهای مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهند و برای چگونگی انتخاب همسر به مواردی مانند انتخاب براساس تصادف از میان مجموعه‌ی محدودی از افراد اساساً شبیه به خود فرد، هم‌تا‌گزینی همسر بر اساس اصل شباهت، تکمیل‌کنندگی یا گرایش به انتخاب فرد مکمل و جذابیت بین‌فردی، دلایلی مانند سود بردن از روابط عاشقانه (نظریه‌ی تبادل اجتماعی)^۸، حفظ هماهنگی در تفکر و ارتباطات اجتماعی خود (نظریه تعادل)^۹ اشاره شده است. دیدگاه زیست‌شناسی تکاملی، تبیین خود درباره‌ی انتخاب همسر را به این صورت مطرح می‌کند که انسان خود می‌شود تا احتمال انتقال ژن‌های خود را به حداکثر برساند. در جریان تنازع بقا، شایسته‌ترین اعضای یک گونه به اندازه کافی زنده می‌مانند که ویژگی‌های خود را به نسل بعد انتقال دهند، بنابراین نیازمند آن هستند که همسری را انتخاب نمایند که خصایصی با کیفیت بالا^{۱۰} داشته باشد. اما ویژگی‌های فیزیولوژیک متفاوت زنان و مردان باعث می‌گردد که راه‌کارهای متفاوتی برای انتقال ژن‌های خود داشته باشند. برای مثال زنان کمتر از مردان می‌توانند فرزند داشته باشند زیرا حداکثر طی یک دوره ۲۵ ساله توانایی بچه‌دار شدن داشته و هر بارداری نیز ۹ ماه طول می‌کشد. اما مردان طی دوره‌ای از بلوغ تا مرگ به لحاظ نظری می‌توانند هزاران فرزند داشته باشند. به نظر می‌رسد به خاطر وجود این تفاوت‌ها زنان باید انتخابی‌تر عمل کرده و با گزینش همسری که می‌تواند منابع موردنیاز برای بقای فرزندان را تأمین کند، سرمایه‌گذاری^{۱۱} خود را به حداکثر برساند. از سوی دیگر مردان می‌توانند با انتخاب همسری که از سلامت و جوانی موردنیاز برای تولیدمثل برخوردار است، سرمایه‌گذاری خود را به حداکثر برسانند. با این وصف مردان برای جذابیت جسمانی و زنان برای منابع^{۱۲}، ارزش بیشتری قایل می‌شوند. طبق این الگو مردان به نشانه‌های جوانی و سلامتی در همسر توجه بیشتری دارند زیرا این موارد، نشان‌دهنده‌ی امکان باروری بالاتر است. در

⁸Social Exchange Theory

⁹Balance Theory

¹⁰High- Quality mating

¹¹Investment

¹²Resources

حالیکه زنان به طور کلی مردان مسن تر از خود را ترجیح می دهند، زیرا وضعیت مالی این مردان غالباً به گونه‌ای است که امکان فراهم ساختن منابع مالی را دارند (باس ۱۹۸۹، کنریک و کیف^{۱۳} ۱۹۹۲، اوتا^{۱۴} و همکاران ۱۹۹۹، واینفرت و دونبار^{۱۵} ۱۹۹۲). مطالعه برنارد (۲۰۰۳) نیز نشان می دهد که دختران نیز ترجیح می دهند با پسرانی ازدواج کنند که حداقل ۵ تا ۶ سال مسن تر از خودشان باشند.

به استناد نظریه تکاملی و با بازگشت به نظریه داروین، زن و مرد در نتیجه فشارهای اولیه ناشی از انتخاب، ترجیحات متفاوتی داشته اند. به طور کلی این نظریه حول دو محور اساسی تفاوت بین زن و مرد دور می زند. یکی نظریه سرمایه گذاری والدین، که در آن زنان در مقایسه با مردان دارای سرمایه گذاری بیشتری در تولید نسل هستند، زیرا ژن‌های خود را به نسل های کمتری منتقل می کنند. از یک طرف باروری زنان از لحاظ زمانی در مقایسه با مردان محدود است و از طرف دیگر با محدودیت سنی برای باروری روبرو هستند. به بیان دیگر سرمایه گذاری والدین در زنان به دلیل هزینه جایگزینی بسیار زیاد بیشتر از مردان است. بنابراین می توان اینطور نتیجه گیری کرد که زنان ترجیح های قوی تری برای همسرگزینی در مقایسه با مردان دارند. همچنین تصور می شود که زنان و مردان معیارهای متفاوتی برای گزینش همسر دارند. مردان بیشتر به امکان بالقوه تولید مثل در همسر (یعنی جوانی) می اندیشد ولی زنان به امکان بالقوه مرد در فراهم کردن امکانات و مراقبت از خانواده فکر می کند.

دوم، مساله احتمال والد شدن است. با توجه به این که زنان سلول تخم بارور شده را با خود حمل می کنند می توانند مطمئن باشند که مادر فرزند خود هستند در صورتی که مردان نمی توانند به آن اندازه مطمئن باشند که فرزند مال خود آنهاست و بنابراین باید مطمئن شوند که این سرمایه گذاری مربوط به فرزند خود آنهاست تا فرد دیگر. بنابراین می توان گفت که مردان در مقایسه با زنان نسبت به هموردی جنسی حساس ترند و بنابراین ارزش بیشتری برای پاکدامنی

¹³ Kenrick & Keefe

¹⁴ Otta

¹⁵Waynforth & Dunbar

همسر خود قایل هستند. با توجه به نکات فوق ملاک‌های انتخاب همسر از دیدگاه تکاملی عبارتند از:

ارزش همسری یک زن برای مرد با قابلیت تولید مثل وی تعیین می‌شود و این قابلیت به جوانی و جذابیت ظاهری او بستگی پیدا می‌کند. پاکدامنی با توجه به نقش آن در افزایش احتمال اصالت و پدری مرد با ارزش است.

ارزش همسری یک مرد برای زن کمتر به ارزش تولید مثل مربوط می‌گردد و بیشتر به شواهد مربوط به امکانات یک مرد مانند استعداد کسب درآمد، بلند پروازی و سخت کوشی او بستگی دارد.

زن و مرد در مورد عواملی که حسادت آنها را بر می‌انگیزد با هم متفاوت هستند. مردان بیشتر در زمینه خیانت در زناشویی و تهدید احتمال پدری حسادت می‌ورزند و در حالی که زنان نسبت به تعلق خاطر عاطفی و تهدید به از دست رفتن منابع حساسیت دارند.

تودوسیویچک و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۳) پژوهشی را به منظور بررسی تفاوت معیارهای انتخاب همسر در دو جنس زن و مرد، انجام دادند. میانگین امتیاز زنان به ترتیب به صداقت ۶/۵۳، وفاداری ۶/۳، دلسوزی ۵/۸۴، اعتماد ۵/۷۸، اجتماعی بودن ۵/۷۷، دقت ۵/۷۷، علاقمندی ۵/۷۴، هوش ۵/۶۲، پاکیزگی ۵/۵۱، جاه‌طلبی ۵/۲۸، جوانی ۵/۱۶، جذابیت ظاهری ۵/۱۴، زیبایی ۴/۹۲، خوش‌تیپی ۴/۸۱، تناسب اندام ۲/۳۶ بود. همچنین نتایج نشان داد که زنان با وجهه اجتماعی بالا به ازدواج با مردان با وجهه اجتماعی پایین هم تمایل دارند، زنان در این پژوهش به توانایی کسب درآمد، موقعیت شغلی و داشتن ثروت همسر اهمیت ندادند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که بین وضعیت اقتصادی- اجتماعی زنان با سواد همسر، علاقمندی، کار موردعلاقه و معاشرتی بودن همسر همبستگی مثبت داشت.

یزدانی (۱۳۷۷) پژوهشی را به منظور بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بر روی ۲۰۰ نفر انجام داد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ۷۹ درصد دانشجویان دختر سلامت جسمی را مهم دانستند. ۷۸ درصد دختران برای زیبایی اهمیت زیادی

¹⁶ Todsijevic et al

قائل شده بودند. ۸۹ درصد دختران به وجود فاصله سنی اهمیت دادند. ۸۹ درصد دختران نظر والدین، ۶۳ درصد دختران هم سطح بودن تحصیلات را مهم دانستند.

در پژوهشی که زارع شاه آبادی (۱۳۸۱) در خصوص معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، انجام دادند به این نتیجه رسیدند که فقط ۷/۶ درصد از زنان زیبایی ظاهری، ۴۱/۵ درصد سن همسر، ۹۰/۸ درصد نماز خواندن همسر خود را بسیار مهم شمردند. از نظر ۱۳/۹ درصد از زنان، فامیل بودن همسر حائز اهمیت بود. همچنین از ۵۵/۴ درصد از زنان همشهری بودن و ۴۴/۶ درصد داشتن زبان و قومیت یکسان را مهم دانستند. در کل نتایج نشان داد که زنان بیشتر بر معیارهای مذهبی در انتخاب همسر، تأکید کردند.

با توجه به افزایش آمار طلاق در کشور ما در دهه اخیر (بر اساس گزارش های سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۳ در شهر تهران به ازای هر سه ازدواج یک طلاق ثبت می شود) (بحرانی، ۱۳۹۳) و اکثر این طلاق ها در ۵ سال اول زندگی رخ می دهد و این زمانی است که هنوز زن و مرد در سنین جوانی هستند و آمادگی و تمایل به ازدواج دارند (بحرانی، ۱۳۹۳). برخی از تحقیقات موید این مساله هستند که بسیاری زوجین اذعان می کنند که مشکلاتی که باعث طلاق آنها شده است قبل از ازدواج هم وجود داشته که یا آنها متوجه این دلایل نبوده، یا این دلایل را جدی نگرفته اند (بحرانی، ۱۳۹۳) بر همین اساس سئوالی که مطرح می شود این است که آیا ملاک های این افراد برای ازدواج دوم تغییری می یابد. بدین لحاظ این پژوهش به دنبال رسیدن به این پاسخ این سئوال کلی است که آیا معیارهای ازدواج زنان و مردانی که قصد ازدواج دوم دارند نسبت به ازدواج اولشان تغییری کرده است؟ و بر این اساس ۲۲ سئوال زیر تدوین شد:

- ۱- آیا میزان اهمیت ظاهر فیزیکی شوهر برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۲- آیا میزان اهمیت ظاهر فیزیکی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۳- آیا میزان رضایت خانواده خود برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۴- آیا میزان رضایت خانواده خود برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۵- آیا میزان تحصیلات مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟

- ۶- آیا میزان تحصیلات زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۷- آیا میزان اهمیت شرایط اقتصادی و شغل مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۸- آیا میزان اهمیت شرایط اقتصادی و شغل زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۹- آیا میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی و قومیتی مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۰- آیا میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی و قومیتی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۱- آیا میزان اهمیت مذهب برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۲- آیا میزان اهمیت مذهب برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۳- آیا میزان اهمیت ویژگی‌های روان‌شناختی مرد برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۴- آیا میزان اهمیت ویژگی‌های روان‌شناختی زن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۵- آیا میزان اهمیت رضایت زناشویی برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۶- آیا میزان اهمیت رضایت زناشویی برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۷- آیا میزان اهمیت عشق برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۸- آیا میزان اهمیت عشق برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۱۹- آیا میزان اهمیت علایق مشترک و شبیه بودن برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۲۰- آیا میزان اهمیت علایق مشترک و شبیه بودن برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟
- ۲۱- آیا میزان اهمیت اختلاف سنی برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟

۲۲- آیا میزان اهمیت اختلاف سنی برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد؟

۲. روش پژوهش

طرح این پژوهش از نوع پیمایشی است که در سال ۱۳۹۴ و در شهر تهران انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زوج های ساکن شهر تهران که متقاضی ازدواج دوم بودند می باشند. نمونه گیری به صورت داوطلبانه در دسترس بود. اعضای گروه نمونه اولیه شامل ۵۴ زوج بودند که برای مشاوره ازدواج دوم خود به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند که از آنها دعوت به همکاری در این تحقیق شد. که از بین این ۵۴ زوج ۵۳ زن و ۵۰ مرد پرسشنامه تحقیق را به صورت کامل تکمیل کردند که برای هماهنگی بین دو گروه همسران مردان یا زنانی که پرسشنامه را کامل تکمیل نکرده بودند حذف شدند و به این ترتیب ۵۰ زوج باقی ماندند که نتایج داده های آنها توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون خی دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه تعیین ملاک های ازدواج:

این پرسشنامه توسط محقق ساخته شد و شامل ۲۰ سوال درباره مشخصات کلی و ملاک های اصلی انتخاب همسر بود. که ملاک ها شامل ملاک های فیزیکی و ظاهری، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، فرهنگی، قومی، مذهبی، روان شناختی، عشق و علاقه، مشترکات و رضایت خانواده بودند. سئوالات پرسشنامه به صورتی بود که پاسخ دهندگان باید ۱۰ ملاک مطرح شده را به سه دسته تقسیم می کردند. ملاک های اصلی یا درجه اول، ملاک های مهم یا درجه دوم و ملاک های غیر مهم یا درجه سوم.

یافته های پژوهش

جدول ۱ اطلاعات دموگرافیک اعضای شرکت کننده در تحقیق را نشان می دهد.

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک آزمودنی‌ها

اطلاعات کلی آزمودنی‌ها		زن		مردان
سن		سن در زمان ازدواج اول ۲۲/۸±۲/۹ سال		سن در زمان ازدواج اول ۲۶/۵±۳/۷
تحصیلات	دیپلم	۴	۸٪	۵
	فوق دیپلم	۸	۱۶٪	۶
	کارشناسی	۲۶	۵۲٪	۳۰
	کارشناسی ارشد	۱۰	۲۰٪	۸
	دکتری	۲	۴٪	۱
طول مدت ازدواج اول		۲/۵±۲/۲ سال		۲/۹±۲/۳ سال

جدول ۲ خلاصه داده‌های پرسشنامه‌های آزمودنی‌ها را ارائه می‌دهد.

جدول ۲: خلاصه داده‌های پرسشنامه‌ها

ملاک‌های ازدواج	ازدواج اول (زن)	ازدواج اول (مرد)	ازدواج دوم (زن)	ازدواج دوم (مرد)
فراوانی	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
ظاهری، فیزیکی	۲۱	۳۷	۱۶	۳۴
تحصیلات	۱۹	۱۹	۱۷	۱۶
اقتصادی و شغل	۱۷	۲۲	۳۸	۱۹
وضعیت اجتماعی- فرهنگی	۲۰	۲۱	۳۲	۲۶
مذهبی	۲۶	۱۹	۳۵	۲۶
روان‌شناختی، شخصیتی و اخلاقی	۳۷	۲۶	۳۹	۳۲
رضایت خانواده	۳۰	۲۷	۲۸	۲۹
عشق	۳۹	۳۹	۲۷	۳۶
علاقه مشترک	۳۱	۲۹	۲۸	۳۷
اختلاف سنی	۱۹	۲۰	۲۹	۲۲

در جدول ۳ نتایج تحلیل آزمون‌های دو و آزمون کوکران داده‌های دو گروه ارائه شده است. ۵.

جدول ۳: نتیجه تحلیل آزمون خی دو و آزمون کوکران داده ها در دو گروه

ملاک های ازدواج	نتیجه آزمون خی دو (زنان ازدواج اول و دوم)	تحلیل نتیجه	نتیجه آزمون خی دو (مردان ازدواج اول و دوم)	تحلیل نتیجه
ظاهری، فیزیکی	۰/۰۴۲	تفاوت ندارد	۰/۰۲۸	تفاوت دارد
رضایت خانواده	۰/۰۳۷	تفاوت ندارد	۰/۰۱۱	تفاوت ندارد
تحصیلات	۰/۰۱۸	تفاوت ندارد	۰/۰۶۵	تفاوت ندارد
اقتصادی	۰/۰۰۹	تفاوت دارد	۰/۰۲۷	تفاوت ندارد
اجتماعی - فرهنگی - قومیتی	۰/۱۵	تفاوت دارد	۰/۳۶	تفاوت دارد
مذهبی	۰/۲۷	تفاوت دارد	۰/۸۴	تفاوت دارد
روان شناختی، شخصیتی و اخلاقی	۰/۳۷	تفاوت دارد	۰/۵۱	تفاوت دارد
همسطح بودن خانواده ها	۰/۱۸	تفاوت ندارد	۰/۲۶	تفاوت دارد
عشق	۰/۱۲	تفاوت دارد	۰/۰۰۷	تفاوت دارد
علاقه مشترک و شبیه بودن	۰/۹۵	تفاوت دارد	۰/۳۷	تفاوت ندارد
اختلاف سنی	۰/۰۱۵	تفاوت دارد	۰/۰۲	تفاوت دارد

با توجه به نتایج به دست آمده در تحلیل خی دو پاسخ به سئوالات تحقیق بر اساس سطح معنی داری ۰/۰۱ به شرح زیر استنباط می شود:

میزان اهمیت ظاهر فیزیکی همسر برای مردان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد ولی برای زنان تفاوت معنادار دارد. میزان اهمیت رضایت خانواده خود برای زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت ندارد. میزان اهمیت تحصیلات همسر برای مردان و زنان در ازدواج اول و دوم تفاوتی ندارد. میزان اهمیت شرایط اقتصادی و شغل برای مردان بی تفاوت و برای زنان در ازدواج اول و دوم تفاوت دارد. میزان اهمیت عوامل فرهنگی، اجتماعی و قومی برای مردان و زنان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت مذهب در زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت عوامل روان شناختی و شخصیتی در زنان و مردان در ازدواج

اول و دوم متفاوت است. میزان اهمیت وجود عشق و علاقه در زنان و مردان در ازدواج اول و دوم متفاوت است و در نهایت میزان اهمیت شبیه بودن علایق در زنان و مردان در ازدواج اول و دوم تفاوت ندارد.

۴. بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق می توان گفت که زوج ها در ازدواج دوم پخته تر عمل می کنند و تا ملاک های آنها از ازدواج احساسی به سمت ازدواج عقلانی حرکت می کند. ملاک پختگی

همانطور که در مقدمه ذکر شد بر اساس نظریه تکاملی مردان بیش از زنان به مسایل ظاهری اهمیت می دهند (باس، ۱۹۸۹) و این مساله موید آن است که مردان در ازدواج مجدد هم ملاک ظاهر برایشان اهمیت دارد اما با توجه به یافته های پژوهشی در زنان این اهمیت در ازدواج دوم کمتر شده است. انتخاب همسر سالم نقش تعیین کننده ای در سلامتی فرزندان خواهد داشت. خصایصی چون سلامت جسم و روان، هوش، ذکاوت، ویژگی های ظاهری مانند قد، رنگ پوست و مو به طور ژنتیکی به نسل بعدی منتقل خواهد شد. هر چند لحاظ نمودن این ویژگی ها تضمینی برای یک زندگی زناشویی پایدار نیست؛ اما، مردان و زنان به درجات مختلف روی هر یک از این ویژگی ها حساسیت خاص نشان می دهند. البته این نگرش می تواند تا حدودی ناشی از ارزش ها و باورهای حاکم بر جامعه و سطح علوم و آگاهی مردم باشد. آموزش های فرهنگی که در فرآیند جامعه پذیری اثرات متفاوتی در تفکر آنها نسبت به ازدواج دارد، با تحصیلات دانشگاهی در این مطالعه و انتخاب همسر سالم، نقش تعیین کننده ای در سلامتی فرزندان خواهد داشت. این آموزش ها که بر پاره ای خواص ظاهری زن تأکید دارند از یک طرف و عملکرد جامعه در قبال افراد با ظواهر متفاوت از طرف دیگر در شکل گیری این گونه تفکرات بی تأثیر نخواهد بود. یافته های مطالعه حاضر با یافته های مطالعات فین گلد در آمریکا همخوانی دارد. در این مطالعه پژوهشگران دریافتند که مردان در مقایسه با زنان زیبایی و جذابیت جسمی را ضروری ترین ویژگی همسر آینده خود قلمداد نموده اند.

نکته جالب توجه دریافت های مربوط به معیارهای زیست شناختی (نظیر سلامت جسمانی، زیبایی، جذابیت ظاهری، سن) در این مطالعه همسویی زنان و مردان پس از ازدواج است. چنین به نظر می رسد که آن ها در بدو ازدواج به دلیل عدم آشنایی با یکدیگر و براساس تجربه و یادگیری های اجتماعی خود معیارهای زیست شناختی متفاوتی را برای انتخاب همسر خود مدنظر داشته اند که به تدریج پس از یک سال، این تفاوت ها کاهش یافته و افراد، کمتر بر این گونه عوامل تأکید ورزیده اند. این شباهت شاید به این دلیل باشد که آن ها از یکدیگر شناخت واقعی بیشتری پیدا کرده و معیارهای زیست شناختی را به عنوان یک اولویت، مشخص نموده اند؛ یا این که به دلیل قبول مسئولیت های جدید زندگی و درگیری با زندگی روزمره فرصتی برای فکر کردن به این شاخص ها را نداشته اند. شاید هم این شباهت ها واقعی باشند و دختران و پسران پس از ازدواج بر تفاوت های موجود که در قبال آن حق انتخابی ندارند، توافق نموده باشند.

با توجه به آنچه گفته شد مطالعه برنارد (۲۰۰۳) نشان می دهد که دختران نیز ترجیح می دهند با پسرانی ازدواج کنند که حداقل ۵ تا ۶ سال مسن تر از خودشان باشند. شافروکیت (۱۹۹۹) نیز وزن را به عنوان یک عامل تعیین کننده در انتخاب همسر از دید زنان آمریکایی مورد تأکید قرار داده اند.

از دیرباز وجود عشق و علاقه طرفین، انعطاف پذیری، برخورد صحیح با مسائل زندگی، رفتار مطلوب درون خانواده، ارتباط اجتماعی سالم، سازگاری فردی، شناخت واقعی طرفین از یکدیگر و توافق بر سر فعالیت های ذوقی و هنری به عنوان شاخص های روان شناختی در تصمیم گیری افراد برای انتخاب شریک زندگی نقش مؤثری داشته اند. از دیرباز ازدواج، نوعی پیوند عاطفی و اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین دو جنس مخالف جهت تأمین نیازهای روانی، جسمی و اجتماعی و پیشگیری از انحرافات و ناهنجاری های فکری و اجتماعی تلقی گردیده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۴). سر منشاء رابطه صمیمی بین زن و شوهر عشق و علاقه طرفین به یکدیگر می باشند آن ها ممکن است از نظر ایدئولوژی، احساس و تفکر با یکدیگر

تفاوت داشته باشند اما با شناخت متقابل که در پرتو یک رابطه عاطفی و شخصیت انعطاف‌پذیری به دست می‌آید امکان زندگی مسالمت‌آمیز فراهم خواهد شد. روابط صمیمانه با یک شریک، یار و یاور، سهم مهمی در سلامت روانی و جسمی خواهد داشت. تجلی صمیمیت و عشق در سایه روابط زناشویی، همکاری، همراهی، همدردی، یگانگی، نیرومندی و پذیرش متقابل را به همراه خواهد آورد. به عنوان یک امر بدیهی وجود چنین خصایصی افراد را در قبال آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی ایمن خواهد نمود و کانون خانواده را در برابر «از هم پاشیدگی» محفوظ نگه خواهد داشت. وجود فضایل اخلاقی و معنوی در زن و مرد که آمیخته به صداقت، گذشت، درستی و فداکاری باشد، موجب سلامت و آرامش خاطر افراد و خانواده خواهد شد. در تعالیم دینی اسلام، بارها حسن خلق و اخلاق پسندیده زوجین در موفقیت زندگی زناشویی مورد تأکید قرار گرفته است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۴).

به اعتقاد یزدانی دختران بیش از پسران به خصایص روان‌شناختی به ویژه سازگاری و همدلی اهمیت می‌دهند (نوری، ۱۳۸۸). در مطالعه حاضر نیز چنین مشاهده می‌شود که دختران، بیشتر روی ویژگی‌هایی چون عشق و علاقه، اخلاق فردی و سازگاری تأکید داشته‌اند. به مرور زمان و پس از گذشت یک سال نوعی همسویی بین دو جنس مشاهده می‌شود و ظاهراً معیارهای روان‌شناختی به طور یکسان، برای هر دو طرف اهمیت پیدا کرده است. وجود چنین شباهتی ممکن است واقعی باشد یعنی این که آن‌ها به آن چه می‌اندیشیده‌اند، دست یافته‌اند. برعکس ممکن است پس از گذشت یک سال، این موضوع برایشان اهمیت چندانی نداشته باشد. با این حال، با دید خوش‌بینانه می‌توان تشابه حاضر را نوعی وفاق و همسویی بر سر مسائل زندگی زناشویی بین زوجین توصیف نمود.

معمولاً افراد در جستجوی شریکی هستند که از لحاظ نژادی، اجتماعی و مذهبی با آن‌ها شباهت داشته باشد. این که در این مطالعه مردان روی پارامترهای زیست‌شناختی بیش از زنان تأکید ورزیده‌اند تا حدودی طبیعی است، زیرا به اعتقاد همین نویسندگان زودتر از زنان عاشق می‌شوند و تحت تأثیر خصلت‌های ظاهری قرار می‌گیرند. زنان از سوی دیگر در این که

با چه کسی ازدواج می‌کنند کار اندیش‌تر و محتاط‌ترند و اصولاً معیارهای اجتماعی اهمیت زیادی دارد (منادی، ۱۳۸۳).

پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش‌های اجتماعی مشترک به ویژه زبان مشترک در تعامل بین افراد از جمله روابط صمیمی زن و شوهر سهم بسزایی دارد. تشابه و تضاد در شیوه‌های تربیتی خانواده دختر و پسر ناشی از تشابهات فرهنگی آن‌هاست و هر چه این تشابهات کم‌تر باشد احتمال اوج‌گیری اختلافات و درگیری‌های زن و مرد در زندگی زناشویی افزایش خواهد یافت. اختلافات فرهنگی زوجین یکی از عوامل طلاق نیز به شمار می‌رود (نظری، ۱۳۸۵).

یکی از عوامل اجتماعی که در سازگاری زناشویی مورد توجه بوده است، تشابهات عقیدتی دینی است. در متون اسلامی به همه جوانان توصیه شده است تا تقوا، نجابت و اصالت دینداری را به جای مال و ظاهر فیزیکی در انتخاب همسر مدنظر قرار دهند. مفسران دینی بر این عقیده‌اند که داشتن وجه مشترک دینی، افراد را از انجام بسیاری از اعمال خلاف باز می‌دارد. زیرا مذهب یکی از مهم‌ترین جلوه‌های لطیف ذهن انسان است که از سرچشمه‌های معنوی و الهی تغذیه می‌کند (نوری، ۱۳۸۸). برخی از محققین معتقدند که باورهای دینی سرچشمه تلقینات جمعی بوده و اختلاف در باورهای دینی زوجین به اختلافات شدید زناشویی خواهد انجامید. آن‌ها وجود تشابهات دینی و اعتقادی را در تربیت کودک ضروری دانسته و معتقدند که گرایش‌های دینی غیرهمسو در بین والدین، زمینه‌ساز تضاد و چندگانگی در کودک خواهد بود. در خانواده‌های اصیل، پدران و مادران می‌کوشند تا از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود الگو باشند. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی پرورش می‌یابند، سجایای اخلاقی را از پدر و مادر خود به ارث می‌برند و مهارت‌های کافی برای برخورد با دشواری‌های زندگی کسب می‌نمایند (عبدالله زاده، ۱۳۸۴).

از دیگر معیارهای اجتماعی شغل و تحصیلات افراد می‌باشد. از آنجایی که شخصیت انسان ناشی از وراثت و محیط می‌باشد، فرد در هر محیطی که رشد کرده باشد خصوصیات همان طبقه یا محیط را به خود می‌گیرد و براساس آن عادات و روش‌های آموخته شده رفتار می‌کند.

میزان تحصیلات در رشته تحصیلی افراد تا حد زیادی تعیین‌کننده شغل آن‌ها خواهد بود و اختیار نمودن شغل، جایگاه اجتماعی افراد را تثبیت می‌نماید. در این مطالعه زنان به طور آشکاری علاقه وافر خود را برای ازدواج با همسری که تحصیلات بالا داشته باشد، ابراز داشته‌اند. این طرز تفکر می‌تواند به این دلیل نیز باشد که در مطالعه حاضر سطح تحصیل زنان بالاتر از مردان بوده و اصولاً زنان تحصیل کرده کمتر با افرادی که از نظر تحصیلی پایین‌تر از خودشان باشند ازدواج می‌کنند. داشتن تحصیلات برابر، حداقل شرط لازم برای ایجاد یک ارتباط فکری بین دو نفر همچنین بحث و مجادله در خصوص مقوله‌های مشترک است.

سطح تحصیلات و شغل در شکل‌گیری نوع روابط اجتماعی افراد نیز نقش بسزایی دارد. کمتر اتفاق می‌افتد که افراد با تحصیلات و مشاغل نابرابر اهداف مشترکی داشته باشند و مصمم به تشکیل گروه‌های اجتماعی جهت تأمین نیازهای خود باشند. دخترانی که علاقمند به ازدواج با پسران تحصیل کرده‌اند شاید این‌گونه تصور کنند که مردان بخاطر تحصیلات بالا از ظرفیت منطقی و علمی بالایی نیز برخوردارند. در خصوص شغل، یافته‌های این مطالعه با مطالعاتی که در ایران انجام شده است، مشابهت دارد زیرا که در کلیه مطالعات فوق همگی زنان نسبت به شغل و تحصیلات بالای همسر آینده خود حساسیت داشته‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۰؛ عطاری، ۱۳۸۵). نکته جالبی که در این مطالعه دیده می‌شود آن است که زنان و مردان به طور یکسان رضایت والدین را لحاظ نموده‌اند که این امری طبیعی و فرهنگی در جامعه ایرانی بوده و مهریار و تشکری (۱۳۷۴) نیز به نتیجه مشابهی رسیده‌اند (به نقل از عطاری ۱۳۸۶).

در جامعه امروز با پیشرفت علم و زندگی ماشینی رقابت‌ها شدیدتر شده است و انسان‌ها همواره در جستجوی رفاه هستند. وانگهی بالا رفتن سطح تحصیل دختران از یک طرف و ناکارآمد بودن درآمد پسران از طرف دیگر، ضرورت همکاری زن را در اداره امور زندگی با داشتن شغل و درآمد ثابت، بیش از پیش محسوس می‌سازد هرچند از پی‌آمدهای نقش دوگانه زن در این گیرودار کمتر سخن به میان می‌آید. اما چنین به نظر می‌رسد که مردان به طور مستقیم و غیرمستقیم از اشتغال زنان ناراضی نیستند. در هر حال برای حفظ حقوق زن و حمایت‌های اجتماعی از او، در اسلام مهر مشخص شده است تا در شرایط بحران و نابهنجاری که مردی در

کنار او نباشد و یا از حمایت اجتماعی او دست بردارد. زن بتواند از آن بهره جوید. در مطالعه حاضر، پسران نسبت به وضعیت مالی دختر و مهریه متعادل حساسیت نشان داده‌اند. با یک دید مثبت، می‌تواند این نگرش را مرتبط با تغییر ارزش‌های مالی و ارزش‌های معنوی و انسانی تعبیر نمود و با یک دید جمعی آن را می‌توان به ارزش‌های حاکم و جاری در سطح جامعه ربط داد. امروزه به دلیل مشکلات اشتغال و رو آوردن پسران به مشاغل آزاد، نگرش و ارزش‌های آنان نیز تغییر یافته و اصرار پسران در این زمینه می‌تواند حاکی از جهان‌بینی شغلی آنان باشند. در هر حال اصرار دختران روی استقلال مالی پسر نشانگر نگرانی زندگی آنان در یک نظام مشتری‌کی است که از آن آگاهی کمتری داشته و هنوز به آن اطمینان کافی ندارند.

یافته‌های مطالعه حاضر می‌تواند در بعد پیشگیری اولیه از طلاق و آسیب‌های اجتماعی کاربرد داشته باشد. در آموزش بهداشت روان ازدواج، لازم است تا شاخص‌های انتخاب همسر به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گیرد. چه بسا که از طریق این گونه آموزش‌ها، افراد بتوانند همسر آینده خود را با آگاهی و شناخت بیشتر انتخاب نمایند. وانگهی یافته‌های مطالعه، حاکی از آن است که این متغیرها در حال تغییر می‌باشند و به تناسب تعامل آن‌ها، در زوجین رشد فکری، عاطفی و اجتماعی در زوجین ایجاد می‌شود و ملاک‌های انتخاب همسر خود را واقع‌بینانه‌تر به کار خواهند بست؛ لذا توصیه می‌شود تا جهت جلوگیری از مشکلات زناشویی و بالاخص طلاق، دختران و پسران در دوره نامزدی نسبت به یکدیگر شناخت دقیق‌تری پیدا کنند.

پیشنهادات و محدودیت‌های تحقیق

گسترده کردن نمونه‌گیری و انجام نمونه‌گیری تصادفی، انتخاب اعضای نمونه از زوج‌هایی که به مراکز مشاوره مراجعه نکرده‌اند تحقیقاتی است که پیشنهاد می‌شود در ادامه این تحقیق انجام شود.

منابع

۱. ابراهیمی، نسترن (۱۳۸۷). بررسی تاثیر آموزش و انتخاب و کنترل گلاسر بر آزار عاطفی زوجین در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۲. برک، لورا، ای، (۲۰۰۲). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۸۷). تهران: انتشارات آرسباران.
۳. برزگر، ناصر (۱۳۸۵). بررسی اعتبار و روایی سیاهه ارزیابی آمادگی ازدواج اشتبرگ (PMI)؛ شورای تحقیقات کاربردی دانشگاه‌های استان زنجان.
۴. بحرانی، محمود (۱۳۹۳). بررسی آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی در پنج دهه گذشته. فصل‌نامه جمعیت شماره ۸۵.
۵. تابع جماعت، محمدرضا (۱۳۸۶). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۶. جانسون، سوزانام. ویفن، والرایی (۲۰۰۳). فرایندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی، عذری اعتمادی، سعیده بطلانی، روناک عشقی، مهناز جوکار، محمد مسعود دیاریان، ناصر یوسفی، شیوا رضوان، پریسان یلفروشان، علی نویدیان، اعظم صالحی (۱۳۸۸).
۷. حسینی، سیدشایسته (۱۳۸۸). اثربخشی آموزشی مؤلفه‌های درون فردی و بین فردی هوش هیجانی بر سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۸. ستیر، ویرجینیا. (۲۰۰۰). آدم‌سازی در روانشناسی خانواده. ترجمه بهروز بیرشک. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
۹. شریفی، ماندانا (۱۳۷۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با انواع مکانیزم‌های دفاعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

۱۰. دوست محمدی، یحیی بررسی رابطه سبک های دلبستگی و ابعاد سه گانه عشق اشترنبرگ با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شهریار، سال تحصیلی ۸۹-۸۸. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده. دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۰ فاطمه دیزجانی، شیرعلی خرامین ۱۳۹۵ تاثیر واقعیت درمان بر رضایت زناشویی. مجله ارمان دانش دوره ۲۱ شماره ۲.

۱۱ صابری زفرقندی، زهره بررسی رابطه سبک های دلبستگی و خویشن پنداری با رضایت زناشویی معلمان متأهل شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رودهن.

۱۲ نظری، علی محمد، نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۵). بررسی تاثیر مشاوران راه محور بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل. فصلنامه تازه ها و پژوهش های مشاوره، جلد ۵، شماره ۲۰، ۸۵-۵۳.

۱۳ نوری، نسیم (۱۳۸۸). رابطه بین سبک های دلبستگی و نگرش افراد به عشق و تاثیر آن ها بر معیارهای ازدواج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۱۴ عارفی، مختار. نوابی نژاد، شکوه. ثنایی، باقر (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی با کیفیت دوستی در دانش آموزان دبیرستانی شهر کرمانشاه. فصل نامه

علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران. تابستان ۱۳۸۵. جلد ۵. شماره ۱۸

15 David. H. Olsson, personal communication cited in Stanley, S.M.(2001). Making a case for Premarital Education. Family Relations, 50, 272-280.

16 Jonsson, F.H (2000). Parental divorce: long – term effects on mental health. Family relations and adult sexual behavior, 41, 101-105

17 Martin, P.d., Martin, D, Martin, M.(2001). “Adolescent Premarital Sexual Activity, Cohabitation, and Attitudes Toward Marriage”. ADOLESCENCE, 36, (143), 601-609

- 18 Mikulincer, M. , and Shaver, P. R. (2003). The attachment behavior system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal. In M. P. Janna (Ed). *Advances in experimental social psychology* 35, 53- 152. New York: Academic press.
- 19 Rosen. Grandon, d.R., Meyers,d. E, & Hattic,d.A.(2004). The relation Ship between marital characteristic, marital interaction process and marital satisfaction. *Journal of counseling and Development*, 201, 580.
- 20 Abdullah Zadeh (2005), investigated the relationship between personality characteristics and marital satisfaction in couples Damghan. Senior Thesis. Tabriz University, Tabriz. (Persian)
- 21 Ahmad Kh (2005), the effect of intervention on lifestyle changes to reduce marital conflict, Ph.D. Thesis, Tehran: Allameh Tabatabai.(Persian).
- 22 Attari YA, Amanollahifard A, mehrabizadeh Honarmand M. Relationship between personality characteristics and individual factors: A Family with marital satisfaction in the state personnel office in Ahvaz, *J Sci Educ psycho* 2006: 3: 81-108. (Persian)
- 23 Bradbery, N.T. Fincham, D.F, Beack, R.S.(2005). Research on the nature and determinants of marital Satisfaction: A decade in review, *Journal of marriage and Family*. 62, 964-98.
- 24 Epstein, B. ET AL. 2005. "Relationship standards and marital satisfaction in chines and American couples," *Journal of Marital and Family Therapy*. Upland: Vol. 31, pp:59-75.
- 25 Fathi Ashtiani, A., Ahmad, Kh (2005). Of successful and unsuccessful marriages among students, academic journal - *Journal of Shahed University*, No. 7, pp. 16-9. (Pesian)
- 26 Goldenberg, Irene Goldenberg and Herbert. (2000), family therapy. Translators: Shahi Baravat, classification of Hussein, S., and venerable, inspiring. (1382). (Persion).
- 27 Jenifer L. Bratter & Karl Eschbach.(2006). What about the couple?Interracial marriage and Psychological distress, *Journal of Social Science Research*, 35,1025-1047.
- 28 monadi, M. In 1383. Conceptions and definitions of the same couples in marital satisfaction from the perspective of women, *Women's Studies*, No. 4.
- 29 Root, M., (2001). *Loves revolution*. Temple University press, Philadelphia, PA.
- 30 Sarokhany, B. (2001), *Introduction to Family Sociology*, Tehran: Soroush. (Persian).
- 31 Shakerian, ATA, Fatemi, Adel, Farhadian, Mukhtar (1390). Relationship between personality characteristics and marital satisfaction, *Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, No. 16, pp. 92-99.

- 32 Sherkat, D.E.(2004).Religious intermarriage in the United States:Trends, Patterns, and predictors. *Journal of Social science Research*, 90,3,563-573.
- 33 Shiota MN and Levenson RW. Birds of feader don,t always fly farther: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long term marriages. *Journal of psychology and Aging*. 2007;22:666-675.
- 34 2. Buss DM. International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *J Cross Culture Psychol* 1990; 21(1): 5-47
- 36 7. Buss DM. Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behav Brain Sci* 1989; 12: 1-49.
- 38 8. Kenrick DT, Keefe RC. Age preferences in mates reflect sex differences in human reproductive strategies. *Behav Brain Sci* 1992; 15: 75-133.
- 40 9. Otta E, deSilva Queiroz R, de Sousa Campos L, Silveira MT. Age differences between spouses in a Brazilian marriage sample. *Evol Hum Behav* 1999; 20: 99-103.
- 42 10. Waynforth D, Dunbar RIM. Conditional mate choice strategies in humans: Evidence from lonely hearts advertisements. *Behavior* 1995; 1s32: 755-79.